

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۸، شماره ۲، پیاپی ۱۲ (پاییز و زمستان ۱۴۰۲) شماره صفحات: ۲۱۷ - ۲۳۷

قومیت، نگرش و امنیت زبانی سخنگویان گونه‌های زبانی غیر معیار ایرانی در شهر تهران

سولماز ملت‌دوست^۱، محمدرضا احمدخانی^۲، حمیدرضا شعیری^۳، علی کریمی فیروزجایی^۴

۱. دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.
۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۳. استاد زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۴. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

در پژوهش حاضر، نگرش و امنیت زبانی سخنگویان زبان بر کاربرد تنوعات گونه‌ای در چارچوب نظریه لکتال با در نظر گرفتن هویت‌های ایلی و قومی اقوام ایرانی بررسی می‌شود. ابزار به کارگرفته‌شده در این پژوهش، پرسشنامه پیمایشی محقق‌ساخته و مصاحبه می‌باشد. داده‌های زبانی از ۳۱۴ شرکت‌کننده به صورت نیمه‌تصادفی از جامعه زبانی دارای اصالت‌های قومی - زبانی ۱۰ قوم ایرانی گردآوری شده است. برای سنجش گویه‌های پرسشنامه از مقیاس لیکرت، برای پایایی، از آلفای کرونباخ، برای دریافت نتایج آماری از آزمون کای دو، برای همبستگی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. به لحاظ نگرش‌های زبانی، سخنگویان زبان‌ها نسبت به گونه زبانی غیر معیار خود احساس غرور و مباهات، صمیمیت، تعلق، دلنشین‌تر و زیباتر بودن و احساس هویت واقعی دارند؛ در حالی که گویشوران نسبت به گونه زبانی معیار، غرور و مباهات احساس می‌کنند. به لحاظ امنیت زبانی، لک‌ها بیش‌ترین و مازندرانی‌ها کم‌ترین میزان در محیط داخل و خارج از خانواده را نشان داده‌اند. به لحاظ هویت زبانی، در زبان‌ها، لک‌ها و در گویش‌ها، همدانی‌ها بیش‌ترین احساس هویت زبانی نسبت به گونه زبانی غیر معیار خود را نشان داده‌اند.

واژه‌های کلیدی:

امنیت زبانی
زبان‌شناسی اجتماعی -
شناختی
لکتال
نگرش سخنگویان
زبان
هویت قومی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۵ آبان‌ماه ۱۴۰۲

پذیرش: ۲۳ دی‌ماه ۱۴۰۲

* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: ahmadkhani@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

نظریه تنوعات گونه‌ای (لکتال)^۱ در زبان موجب شکل گرفتن ذهنیات^۲ و نگرش‌های^۳ متفاوتی در ذهن^۴ سخنگویان زبان شده است؛ نگرش‌ها و ذهنیت‌هایی در مورد کاربرد گونه‌های زبانی غیر معیار^۵ نظیر انواع گونه‌های زبانی جغرافیایی^۶، اجتماعی^۷، محلی^۸، بومی^۹ و گونه کاربردی^{۱۰} نسبت به گونه معیار زبان فارسی.

هدف از پژوهش حاضر بررسی نگرش^{۱۱} و امنیت زبانی^{۱۲} سخنگویان زبان بر کاربرد تنوعات گویشی و زبانی نسبت به مقولات اجتماعی از منظر واقعیت‌های شناختی^{۱۳} پشت پرده کاربرد واقعی زبان، در چارچوب نظریه لکتال می‌باشد. نظریه کاربردمحور^{۱۴} لکتال دلایل انتخاب بین گونه معیار^{۱۵} و گونه غیر معیار زبان سخنگویان گونه‌های زبانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. محققان در این پژوهش، گرایش فردی سخنگویان زبان نسبت به کاربرد گونه‌های زبانی متفاوت و مفاهیم اجتماعی نگرش، هویت^{۱۶}، قومیت و اعتبار^{۱۷} را مورد سنجش قرار داده‌اند تا دریابند چگونه نگرش شرکت‌کنندگان حول محور آن گونه زبانی شکل گرفته و چگونه منجر به هویت‌سازی شده است. همچنین در نظر دارند تا دریابند سخنگویان گونه‌های زبانی غیر معیار شامل مازندرانی، ترکی، کردی، لکی، بلوچی، اصفهانی، لری، یزدی، همدانی و مشهدی تا چه میزان در محیط داخل و خارج از خانواده احساس امنیت زبانی دارند و نیز تأثیر قومیت روی میزان احساس امنیت زبانی را تحلیل و بررسی می‌کنند.

در این پژوهش دو مؤلفه همبستگی اجتماعی و منزلت و جایگاه اجتماعی در دو سوی یک پیوستار در نظر گرفته شده‌اند و محققان به دنبال آن هستند تا بیابند چگونه کاربرد هر گونه زبانی، منجر به ایجاد نگرش، هویت و امنیت زبانی می‌شود و این نگرش به کدام قطب پیوستار گرایش پیدا می‌کند.

پژوهشگران در این تحقیق در صدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر هستند:

۱. سخنگویان گونه‌های زبانی چه نگرشی نسبت به گونه‌های زبانی معیار و غیر معیار دارند؟

۲. سخنگویان گونه‌های زبانی مورد مطالعه از چه میزان امنیت زبانی برخوردارند؟

۳. هویت قومی سخنگویان گونه‌های زبانی به چه صورت است؟

1 Lectal variations

2 Mentality

3 Attitudes

4 Mind

5 Non- Standard variety

6 Geographical variety of language

7 Socilect variety

8 Regional variety

9 Native

10 Register

11 Language attitude

12 Language security

13 Cognitive

14 Usage-based

15 Standard variety

16 Identity

17 Prestige

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در سال‌های اخیر در مورد پژوهش حاضر در داخل کشور صورت گرفته‌اند. حسنی (۱۳۸۳) به بررسی تغییرات هویت ایلی به هویت قومی در ایلات و عشایر ایران پرداخته است. دبیرمقدم (۱۳۸۷) زبان، گویش و لهجه را به عنوان گونه‌های زبانی ایرانی بررسی کرده است. سارلی (۱۳۸۷) به توصیف زبان معیار و استانداردهای آن و تفاوتش از دیگر گونه‌های زبانی پرداخته است. احمدی‌پور و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی اختلافات و اشتراکات قومیت‌های ایرانی در راستای هویت‌سازی پرداخته‌اند. احمدخانی و همکاران (۱۳۹۳) نگرش سخنگویان کردزبان را نسبت به گونه‌های این گونه زبانی بررسی کرده است. صفی‌زاده (۱۳۹۲) به بررسی تغییرات زبان لکی به عنوان زبانی فراموش‌شده از دوره میانه، در گذر تاریخ پرداخته است. رضانی (۱۳۹۳) به بررسی کاربرد زبان‌های مازندرانی و فارسی در بافت‌های تعاملی اجتماعی مختلف در میان گویشوران مازندرانی با تمرکز بر متغیرهای سن و جنسیت پرداخته است.

مالمیر و ابوالحسنی (۱۳۹۶) به بررسی میزان گرایش به اشکارسازی هویت زبانی ترک‌زبانان ساکن تهران پرداخته‌اند. متشرعی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تنوعات گونه‌ای زبان از بعد زبان‌شناسی اجتماعی شناختی پرداخته‌اند. مظفری و مدرسی (۱۳۹۷) نیز تأثیر نگرش گویشوران بر کاربرد تنوعات گونه‌ای زبان فارسی را در استان فارس مطالعه کرده‌اند و به بررسی شأن اجتماعی تنوعات گونه‌ای زبان فارسی و قضاوت‌های مثبت و منفی درباره گونه‌های زبانی غیر معیار پرداخته‌اند. شعیری و همکاران (۱۴۰۰) کاربرد و تأثیر هیجان‌ات را در کاربرد گونه زبانی با در نظر گرفتن عامل قومیت بررسی کرده‌اند. رحیمی (۱۴۰۰) امنیت و ناامنی نشانه‌ای در شخصیت‌ها، سوژه و ابرسوژه فیلم *باشو، غریبه کوچک* را بررسی کرده است.

زبان‌شناسی اجتماعی مطالعه زبان افرادی است که کاربران واقعی زبان در جهان واقعی هستند. این دانش جدید در دهه ۱۹۶۰ با مطالعات ویلیام لباو^۱ در ایالات متحده آمریکا پایه‌گذاری شد و به دلیل دستاوردهای پراهمیت آن، به عنوان یکی از شاخه‌های مهم زبان‌شناسی پذیرفته شد. لباو (۱۹۶۶) تنوعات اجتماعی زبان انگلیسی را در شهر نیویورک مطالعه و بررسی کرده است. وی سبک و تنوعات درونی و فردی گوینده را به صورت منسجم در الگوهای گسترده‌ای از تنوعات زبانی در جامعه زبانی نیویورک شناسایی کرده است.

لباو (۱۹۸۴) انواع گونه‌های زبانی مورد مطالعه را طبقه‌بندی و با استفاده از ابزار مشاهده و مصاحبه حضوری در فیلادلفیا بررسی کرده است. کینگ^۲ (۱۹۹۷) به تحلیل و بررسی امنیت زبانی از بعد زبان‌شناسی در منازعات قومی پرداخته است. وی (۱۹۹۷) عنوان کرد زمانی که بین سخنگویان گونه‌های زبانی متفاوت و قومیت‌های گوناگون عدم توافق رخ می‌دهد امنیت زبانی کاهش می‌یابد. لباو در سال (۲۰۰۱) در کتاب *اصول*

¹ W. Labov

² Ch. King

مطالعات زبانی، جلد ۱ نتایج چندین دهه تحقیق در مورد ریشه‌های اجتماعی و انگیزه‌های اجتماعی تغییرات زبانی را با در نظر گرفتن طبقات اجتماعی، محله، قومیت، جنسیت و شبکه‌های اجتماعی ارائه می‌دهد. جایلز^۱ و بیلینگز^۲ (۲۰۰۴) به بررسی تأثیر نگرش‌های زبانی و بافت گفتمانی پرداخته‌اند. ادواردز^۳ (۲۰۰۹) پژوهشی در مورد بررسی اعتبار و نگرش گویشوران زبان نسبت به گونه غیر معیار زبان انگلیسی انجام داد. وی (۲۰۰۹) الگوی گفتاری گویشوران محلی طبقات پایین جامعه را نسبت میزان تحصیلات، جایگاه اجتماعی، سطح مهارت زبانی و اعتبار مورد بررسی قرار داد. براساس نتایج، وقتی فردی بداند دارای گونه گفتاری معتبری نیست و گفتارش دارای اعتبار اجتماعی پایینی می‌باشد، ترجیح می‌دهد به گونه گفتاری قدرتمندتری صحبت کند. نوآوری پژوهش حاضر از این رو است که تا به حال امنیت زبانی، هویت قومی و نگرش زبانی سخنگویان گونه‌های زبانی ایرانی در کلان‌شهر تهران با تمرکز بر ۱۰ قوم ایرانی توجه ویژه‌ای نشده است و این تحقیق می‌تواند خلاء این نوع پژوهش‌های میدانی را رفع کند.

۳. چارچوب نظری پژوهش

۳-۱. تنوعات گونه‌ای، مقوله بندی^۴ و نگرش

با نگاهی دقیق درمی‌یابیم اصطلاح «لکت^۵» یا تنوع مرتبط با اختلافات و تنوعات آوایی گویشوران زبان می‌باشد. نظریه لکتال به مطالعه تنوعات گونه‌ای در زبان‌ها می‌پردازد. دو ویژگی مهمی که قلب تپنده این نظریه محسوب می‌شوند، ویژگی کاربردمحور بودن و نیز توجه به تنوعات اجتماعی زبان هستند. تنوعات گونه‌ای شامل انواع شیوه‌های گفتاری زبان می‌باشد که هر کدام ارزش، اعتبار، جایگاه و شأن اجتماعی خود را دارند و نیز موجب شکل گرفتن نگرش‌های متفاوتی در ذهن سخنگویان می‌شود که این نگرش‌ها و ذهنیت‌ها قابل مطالعه و بررسی می‌باشند (کریستیانسن^۶، ۲۰۰۸: ۶۲).

نگرش‌ها و نحوه بکارگیری از اشکال زبانی، هم در سطح کلان و هم در سطح خرد مانند موقعیت غیر رسمی از جمله رابطه با دوستان و نزدیکان مؤثر می‌باشند. زمانی که یک فرد به دو زبان مسلط باشد و هر دو زبان را کاملاً روان صحبت می‌کند، کاربرد هر کدام از زبان‌ها موجب ایجاد یک نگرش زبانی در ذهن شنونده می‌شود و شنونده درباره گوینده در ذهن خود، دست به قضاوت می‌زند (لمبرت^۷ و همکاران، ۱۹۶۰).

¹ H. Giles

² A. Billings

³ J. Edwards

⁴ Categorization

⁵ Lect

⁶ G. Kristiansen

⁷ W. E. Lambert

۳-۲. امنیت و ناامنی زبانی

لباو (۱۹۶۶: ۹۱-۱۱۴) برای اولین بار مفاهیم امنیت و ناامنی زبانی را در مطالعات خود مطرح کرد. لباو (۱۹۶۶) در آزمون‌هایی که از شرکت‌کنندگان طبقات متوسط و پایین جامعه زبانی نیویورک تهیه کرد، دو حالت خاص زبانی شرکت‌کنندگان را عنوان کرد: ۱. حالت زبانی که سخنگویان زبان، آن را حالت درست زبانی دانسته و سعی می‌کنند واژگان را به آن شیوه ادا کنند. ۲. حالت زبانی که شرکت‌کنندگان از روی عادت ادا می‌کنند. لباو (۱۹۶۶) میزان انحراف بین این دو ویژگی را شاخص ناامنی زبانی دانسته و در نتایج پژوهش عنوان کرد، طبقات متوسط به پایین ویژگی‌های خاص زبانی خود را پس زده و نوع بیان واژگان و گفتارشان را طبق الگوی گفتاری طبقه بالاتر تغییر می‌دهند. لباو (۱۹۶۶) این کنش را تصحیح افراطی^۱ نامیده است.

ترادگیل^۲ (۱۹۷۴) در انگلستان پژوهشی در مورد تلفظ واژگان انجام داده است. او واژگان منتخب را با دو نوع تلفظ مشخص کرده و از آزمودنی‌ها خواسته است تلفظی را که ادا می‌کنند، انتخاب کنند. نتایج نشان داده‌اند که برخی افراد تلفظ خود و برخی دیگر تلفظ سطح بالاتر اجتماعی را انتخاب می‌کنند، مانند تفاوت تلفظ حرف /r/ که نشان از تفاوت سطح اجتماعی دارد. کالوه^۳ و وارلا^۴ (۲۰۰۰) زبان‌شناس و نشانه‌شناس مکتب پاریس در فرانسه، در بررسی زوج امنیت/ ناامنی زبانی عنوان کرد، مادامی که سوژه، هنجار خود را هنجار عام به عبارتی فرهنگ و زبان غالب در مرکز بداند، احساس می‌کند نیازی به افزایش اعتبار خود ندارد و در امنیت زبانی قرار دارد. در مقابل زمانی که سوژه خود را به دور از هنجار عام یعنی نزدیک به حاشیه و مرز ببیند، تصور می‌کند نیاز به افزایش اعتبار داشته و احساس امنیت زبانی ندارد. احساس عدم امنیت زبانی منجر به کاربرد گونه زبانی معیار در راستای کسب اعتبار اجتماعی و رسیدن به هنجار عام می‌شود. هر فردی متعلق به خانواده و جامعه زبانی است. هر چقدر کاربرد گونه زبانی به خانواده نزدیک‌تر باشد، امنیت زبانی فرد بیش‌تر است و هر چقدر از خانواده دور شده و به جامعه، نزدیک‌تر شود، در حقیقت به ناامنی زبانی نزدیک‌تر شده است. کینگ (۱۹۹۷: ۴۹۳) عنوان کرد زبان اساسی‌ترین نشانه زبان هویت قومی است و زمانی که بین سخنگویان با قومیت‌های متفاوت، گفتمان ناموافق صورت می‌گیرد یا ناهمگونی نمایان می‌شود، گوینده گونه زبانی غیر معیار، احساس کاهش امنیت زبانی پیدا می‌کند.

¹ Extreme correction

² P. Trudgill

³ L. J. Calvet

⁴ L. Varela

۳-۳. هویت قومی و هویت ملی

ادواردز (۲۰۰۹: ۱۹) معتقد است همه توضیحات و توصیفات درباره مفهوم هویت در واقع تحت عنوان «تعریف خود» است. زمانی که خود را در سطوح فردی و اجتماعی معرفی می‌کنیم در حقیقت یک برچسب با عنوان تعریف خود یا «هویت خود» به خودمان می‌زنیم. کریستیانسن (۲۰۰۸: ۵۵) معتقد است از بعد زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی، زبان هر جامعه، نشان‌دهنده تمامیت «هویت» آن جامعه زبانی است. بروبیکر^۱ و کوپر^۲ (۲۰۰۰: ۲۳) بر این باور هستند که هویت یک مقوله نیست، بلکه یک فرایند است که حاصل نگرش فردی و اجتماعی بوده و به شکل پیوستاری نمایش داده می‌شود. یک سوی پیوستار هویت ثابت فردی وجود دارد و طرف دیگر پیوستار در اثر تغییرات حاصل از بازخوردهای اجتماعی، در حال نوسان بوده و ناپایدار است. هویت ملی بالاترین سطح هویت جمعی است و در داشتن ملیت و جغرافیا خلاصه شده و چنان فراگیر است که هویت فردی-قومی را شامل می‌شود. هویت قومی بخشی از هویت اجتماعی و ملی است که هویت‌های منطقه‌ای، نژادی، فرهنگی و زبانی را در بر می‌گیرد (داوری، ۱۳۷۶: ۴۴). کاستلز^۳ (۱۳۸۰: ۷۴) معتقد است قومیت به مثابه منبع هویت در حال رنگ‌باختگی بوده و در حال کمرنگ‌شدن عناصر فرهنگی و زبانی است.

هویت قومی، نوعی هویت جمعی مبتنی بر دوگانگی «ما-آن‌ها» بوده که بر دو اصل استوار است: اعضای قوم در درون قوم خود را چگونه می‌بینند و دیگران از برون قوم، اعضای قوم را چگونه می‌بینند (یوسفی، ۱۳۸۰: ۳۹). جهت‌سنجش و یافتن برآیند هویت قومی از شاخص‌های غرور و مباهات به زبان، رسومات قومی شعرا و افراد سرشناس قوم به عنوان تلاشی جهت زنده‌نگهداشتن قوم استفاده می‌شود.

۳-۴. رویکرد اتیک^۴

دورتیه^۵ (۱۳۸۲) معتقد است در رویکرد اتیک، محقق به مطالعه شناختی یک اثر یا یک موضوع می‌پردازد. در واقع نگاه به موضوع پژوهش، یک نگاه از بیرون است و محقق تلاش می‌کند که احساسات خود را نسبت به موضوع، در پژوهش دخالت ندهد. به عبارت دیگر محقق برای توصیف و تحلیل داده‌های خود، زبان علم را بر می‌گزیند. رویکرد اتیک می‌گوید مردم محلی آنقدر با آنچه انجام می‌دهند درگیر هستند که نخواهند توانست فرهنگشان را تفسیر کنند. محقق باید بر آنچه خودش به عنوان بیننده متوجه می‌شود تاکید کند، سپس با توجه به نظریات زبان‌شناسی توصیف و تحلیل کند. تعدادی از زبان‌شناسان در مطالعات خود در مورد گویش‌شناسی و بررسی قومیت‌ها از این رویکرد بهره برده‌اند.

¹ Brubaker

² Cooper

³ Castells. M

⁴ Etic

⁵ J. Dortier

پایک^۱ (۲۰۰۲) در مورد نوع‌گویی‌شناسی عنوان می‌کند، در مطالعات زبان‌شناسی، علوم اجتماعی و گویش‌شناسی، امیک^۲ به رویکردی گفته می‌شود که نگاهش از درون جامعه مورد مطالعه شکل می‌گیرد، نوعی نگاه انتزاعی به زبان توسط افراد فاقد دانش زبان‌شناسی، یعنی کاربران زبان به معنای عام؛ در حالی که اتیک رویکرد نگاه از بیرون است، یعنی نگاهی کاملاً تخصصی که محقق و زبان‌شناس به گونه‌زبانی منطقه مورد مطالعه دارد و زبان و گویش را از طریق ابزار و سنج‌علمی مطالعه می‌کند.

در این پژوهش، نگرش، هویت، قومیت و امنیت‌زبانی سخن‌گویان ۱۰ گونه‌زبانی غیر معیار در تهران از دیدگاه اتیک و تخصصی در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی شناختی با در نظر گرفتن مؤلفه‌های «منزلت اجتماعی» و «همبستگی اجتماعی» مورد مطالعه و بررسی دقیق و موشکافانه قرار گرفته‌اند. متغیر جایگاه و منزلت اجتماعی برای بررسی ویژگی‌هایی مانند جاه‌طلبی و اعتماد به نفس و احساس قدرت نسبت به گونه‌زبانی مادری و متغیر همبستگی برای بررسی خصوصیات جمعی مانند دوستی، صمیمیت و دلنشینی گونه‌زبانی، در دو سوی یک پیوستار در نظر گرفته شده‌اند و محققان در نظر دارند دریابند چگونه کاربرد هر گونه‌زبانی، امنیت و ناامنی‌زبانی منجر به ایجاد یک نگرش‌زبانی و هویت فردی و اجتماعی شده و این نگرش به کدام قطب پیوستار گرایش پیدا می‌کند.

۳-۵. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش میدانی از نوع کاربردی، غیر آزمایشی و بر مبنای روش، پیمایشی و از نوع مقطعی است.

۳-۵-۱. ابزار پژوهش

جهت گردآوری داده‌ها از حجم نمونه مورد نیاز، از شیوه پرسشنامه (به صورت کاغذی و آنلاین) و برای پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این تحقیق، پرسشنامه محقق‌ساخته بر اساس اصول و رده‌بندی‌های کتاب گویش‌شناسی چمبرز^۳ (۱۹۹۵) و چمبرز و ترادگیل (۱۹۹۸: ۱۸۳) و نیز با در نظر گرفتن پرسشنامه‌های تحقیقات پیشین، تهیه شده است. تعداد ۳۱۴ پاسخنامه به عنوان داده‌های تحقیق گردآوری شدند. با استفاده از آزمون کای دو و نیز توسط نرم‌افزار SPSS نتایج آماری به دست آمده است.

۳-۵-۲. بیکره پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر، بر اساس جدول شماره (۱) شامل شرکت‌کنندگان از ۱۰ اصالت قومی-زبانی شامل ۵ زبان و ۵ گویش است.

¹ L. K. Pike

² Emic

³ J. K. Chambers

جدول ۱.

فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب زبان‌ها و گویش‌های مورد مطالعه

فراوانی		درصد	
۱۱/۱	۳۵	مازندرانی	اصالت قومی-زبانی
۱۰/۸	۳۴	ترکی	
۹/۶	۳۰	کردی	
۹/۹	۳۱	لکی	
۹/۹	۳۱	بلوچی	
۹/۹	۳۱	اصفهانی	
۹/۹	۳۱	لری	
۹/۶	۳۰	یزدی	
۹/۹	۳۱	همدانی	
۹/۶	۳۰	مشهدی	
	۱۰۰	۳۱۴	کل

بر اساس جدول (۱) شرکت‌کنندگان در پژوهش دارای اصالت‌های قومی-زبانی زبان‌های ترکی، کردی، لکی، مازندرانی و بلوچی و نیز گویشوران گویش‌های اصفهانی، یزدی، لری، مشهدی و همدانی ساکن در شهر تهران هستند. از هر زبان و هر گویش بین ۳۰ تا ۳۵ نفر و در مجموع ۳۱۴ نفر به صورت نیمه‌تصادفی، از طبقات مختلف جامعه، شامل دانش‌آموز، دانشجو، استاد، معلم، کارمند، کاسب، راننده، خانه‌دار از مکان‌های عمومی، گردآوری شده و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

۳-۵-۳. متغیرهای زبانی

به عقیده سجویو^۱ و بوریس^۲ (۱۹۹۰: ۲۱۶) زبان، در آن واحد هم می‌تواند به عنوان یک متغیر مستقل، نقش هویت‌سازی داشته باشد و هم می‌تواند به عنوان یک متغیر وابسته، هویت اجتماعی فرد را انعکاس دهد. پژوهشگران این حوزه معتقدند زبان بر شکل‌گیری هویت گروهی موثر است و هویت‌های گروهی، کاربرد زبان و همچنین الگوی نگرش زبانی را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار می‌دهند. متغیر مستقل در پژوهش حاضر ۱۰ گونه زبانی غیر معیار ایرانی و متغیر وابسته، نگرش و امنیت زبانی شرکت‌کنندگان نسبت به گونه‌های زبانی غیر معیار است.

¹ I. Sachdev

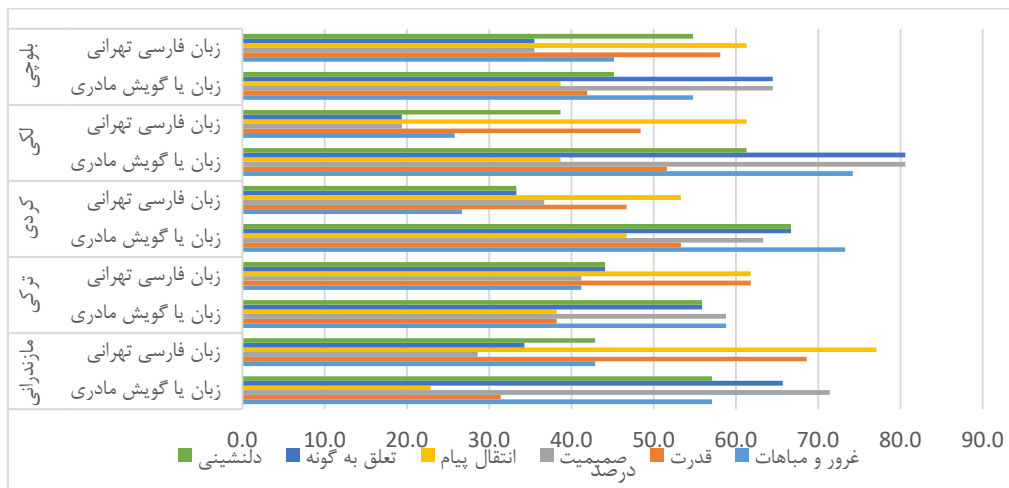
² R. Y. Bourhis

۴. تحلیل داده‌ها

در این قسمت با توجه به آمار و اطلاعات حاصل از پاسخنامه‌ها و مصاحبه‌ها داده‌های پژوهش تجزیه و تحلیل شده‌اند.

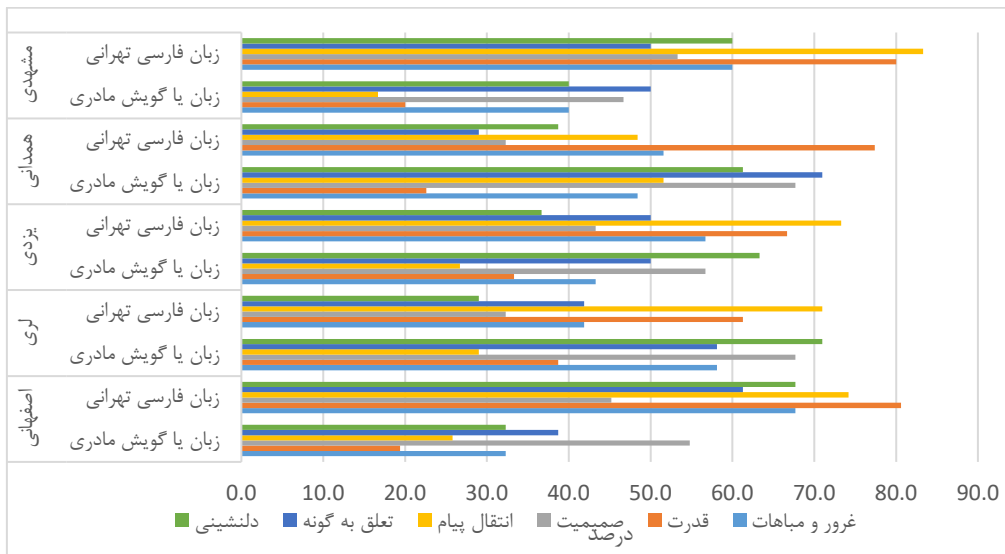
۴-۱. نگرش‌های زبانی

در این بخش پژوهش‌گران به تجزیه و تحلیل نگرش‌های شرکت‌کنندگان با در نظر گرفتن مؤلفه‌های غرور و مباهات، قدرت گونه‌ی زبانی، احساس صمیمیت، احساس راحتی در انتقال پیام، احساس تعلق به گونه‌ی زبانی، احساس دلنشین‌تر بودن و نیز احساس هویت واقعی نسبت به گونه‌ی زبانی مادری بر روی پیوستار نگرشی می‌پردازند. نمودار (۱) توزیع فراوانی و درصد مؤلفه‌های نگرشی سخنگویان زبان‌های مورد مطالعه را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. درصد مؤلفه‌های نگرشی به تفکیک زبان‌های مورد مطالعه

نمودار شماره ۲ توزیع فراوانی و درصد مؤلفه‌های نگرشی به تفکیک گویش‌های مورد مطالعه را نشان می‌دهد.



نمودار ۲. درصد مؤلفه‌های نگرشی به تفکیک گویش‌های مورد مطالعه

بر اساس نمودار (۱) و (۲) توزیع و فراوانی مؤلفه‌های نگرشی سخنگویان گونه‌های زبانی، برابند نگرشی شرکت‌کنندگان به این صورت است:

● مؤلفه‌های جایگاه و منزلت اجتماعی

احساس غرور و مباحثات: سخنگویان گونه‌های زبانی لکی با ۷۴/۲ درصد و کردی با ۷۳/۳ درصد و گویشوران لری با ۵۸/۱ درصد بیش‌ترین احساس غرور و مباحثات و سخنگویان بلوچ با ۵۴/۸ درصد و گویشوران اصفهانی با ۳۲/۳ درصد کم‌ترین میزان احساس غرور و مباحثات نسبت به گونه‌ی زبانی مادری خود را دارند.

احساس قدرت: سخنگویان زبان‌های کردی ۵۳/۳ درصد و لکی ۵۱/۶ درصد و گویشوران لری با ۳۸/۷ بالاترین میزان احساس قدرت و سخنگویان زبان مازندرانی با ۳۱/۴ درصد و گویشوران اصفهانی با ۱۹/۴ کم‌ترین میزان احساس قدرت نسبت به گونه‌ی زبانی مادری خود را دارند.

● مؤلفه همبستگی اجتماعی

احساس صمیمیت: سخنگویان زبان‌های لکی با ۸۰/۶ و سپس مازندرانی با ۷۱/۴ درصد و نیز گویشوران لری و همدانی با ۶۷/۷ درصد بیش‌ترین میزان احساس صمیمیت و ترک زبان‌ها با ۵۸/۸ درصد و گویشوران مشهدی با ۴۶/۷ کم‌ترین میزان احساس صمیمیت نسبت به گونه‌ی زبانی مادری خود را دارند.

احساس راحتی در انتقال پیام: سخنگویان زبان کردی با ۴۶/۷ درصد و گویشوران همدانی با ۵۱/۶ درصد بیش‌ترین میزان احساس راحتی در انتقال پیام و سخنگویان زبان مازندرانی با ۲۲/۹ و گویشوران مشهدی با ۱۶/۷ درصد کم‌ترین میزان احساس راحتی در انتقال پیام نسبت به گونه‌ی زبانی مادری خود را دارند.

احساس تعلق به گونه‌ی زبانی مادری: سخنگویان زبان لکی با ۸۰/۶ درصد و گویشوران همدانی با ۷۱ بیش‌ترین احساس تعلق و سخنگویان زبان ترکی با ۵۵/۹ درصد و گویشوران اصفهانی با ۳۸/۷ درصد کم‌ترین میزان احساس تعلق به گونه‌ی زبانی مادری خود را دارند.

احساس دلنشین‌تر و زیباتر بودن: سخنگویان زبان‌های کردی با ۶۶/۷ درصد و سخنگویان لکی با ۶۱/۳ درصد و گویشوران لری با ۷۱ درصد بیش‌ترین احساس دلنشین‌تر بودن و سخنگویان زبان بلوچی با ۴۵/۲ درصد و گویشوران اصفهانی با ۳۲/۳ درصد کم‌ترین میزان احساس دلنشین‌تر بودن گونه‌ی زبانی مادری را نشان داده‌اند.

امنیت‌زبانی سخنگویان گونه‌های زبانی

در این بخش میزان امنیت‌زبانی سخنگویان گونه‌های زبانی بر اساس قومیت در دو محیط داخل و خارج از خانواده جهت تحلیل و بررسی میزان امنیت‌زبانی آن‌ها در شهر تهران محاسبه شده است. جدول (۲) میزان امنیت‌زبانی سخنگویان گونه‌های زبانی در شهر تهران در محیط داخل خانواده را نشان می‌دهد.

جدول ۲.

توزیع فراوانی و درصد امنیت‌زبانی سخنگویان در محیط خانواده بر حسب اصالت قومی-زبانی

اصالت قومی-زبانی	فراوانی	امنیت‌زبانی نسبت به گونه مادری	امنیت‌زبانی نسبت به گونه معیار	کل
مازندرانی	فراوانی	۷	۲۸	۳۵
درصد	درصد	۲۲/۸	۷۷/۱	۱۰۰
ترکی	فراوانی	۱۰	۲۴	۳۴
درصد	درصد	۲۹/۵	۷۰/۵	۱۰۰
کردی	فراوانی	۱۱	۱۹	۳۰
درصد	درصد	۳۶/۶	۶۳/۳	۱۰۰
لکی	فراوانی	۱۳	۱۸	۳۱
درصد	درصد	۴۲	۵۸	۱۰۰
بلوچی	فراوانی	۸	۲۳	۳۱
درصد	درصد	۲۵/۸	۷۴/۱	۱۰۰
اصفهانی	فراوانی	۶	۲۵	۳۱
درصد	درصد	۱۹/۳	۸۰/۶	۱۰۰
لری	فراوانی	۴	۲۷	۳۱
درصد	درصد	۱۲/۹	۸۷/۱	۱۰۰
یزدی	فراوانی	۵	۲۵	۳۰
درصد	درصد	۱۶/۶	۸۳/۳	۱۰۰
همدانی	فراوانی	۷	۲۴	۳۱
درصد	درصد	۲۲/۵	۷۷/۵	۱۰۰

اصلت قومی-زبانی	امنیت‌زبانی نسبت به گونه مادری	امنیت‌زبانی نسبت به گونه معیار	کل
مشهدی	۶	۲۴	۳۰
فراوانی	۲۰	۸۰	۱۰۰
کل	۷۷	۲۳۷	۳۱۴
درصد	۲۴/۵	۷۵/۴	۱۰۰

بر اساس جدول (۲)، از بین سخنگویان زبان‌ها، لک‌ها با ۴۲ درصد بیش‌ترین میزان و مازندرانی‌ها با ۲۲/۸ درصد کم‌ترین میزان احساس امنیت‌زبانی را در محیط داخل خانواده نشان داده‌اند. در بین گویشوران، همدانی‌ها با ۲۲/۵ درصد بیش‌ترین و لرها با ۱۲/۹ درصد کم‌ترین میزان احساس امنیت‌زبانی را در محیط داخل خانواده نشان داده‌اند. جدول (۳) میزان امنیت‌زبانی سخنگویان گونه‌های زبانی را در شهر تهران در محیط خارج از خانواده نشان می‌دهد.

جدول ۳.

توزیع فراوانی و درصد امنیت‌زبانی سخنگویان در محیط خارج از خانواده بر حسب اصلت قومی-زبانی

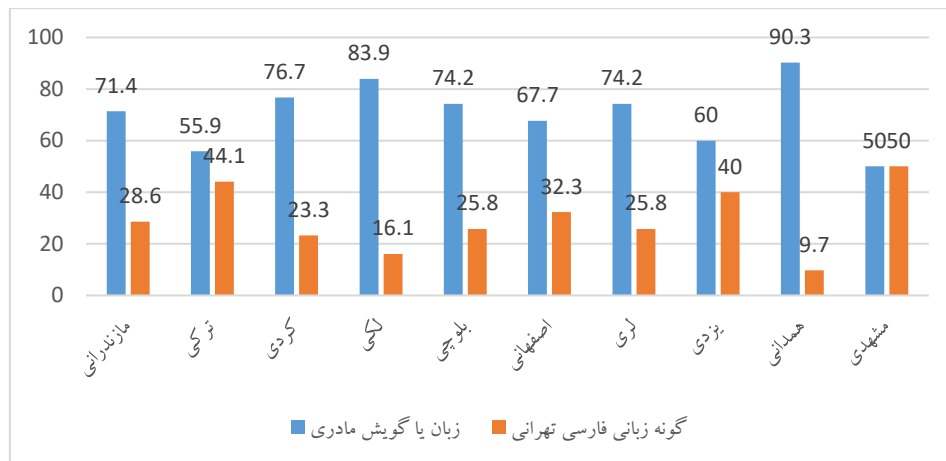
اصلت قومی-زبانی	امنیت‌زبانی نسبت به گونه مادری	امنیت‌زبانی نسبت به گونه معیار	کل
مازندرانی	۱	۳۴	۳۵
فراوانی	۲/۸	۹۷/۱	۱۰۰
درصد	۳	۳۱	۳۴
فراوانی	۸/۸	۹۱/۱	۱۰۰
درصد	۲	۲۸	۳۰
فراوانی	۶/۶	۹۳/۳	۱۰۰
درصد	۴	۲۷	۳۱
فراوانی	۱۳/۳	۸۶/۶	۱۰۰
درصد	۲	۲۹	۳۱
فراوانی	۶/۴	۹۳/۵	۱۰۰
درصد	۱	۳۰	۳۱
فراوانی	۳/۲	۹۶/۷	۱۰۰
درصد	۱	۳۰	۳۱
فراوانی	۳/۲	۹۶/۷	۱۰۰
درصد	۱	۲۸	۳۰
فراوانی	۳/۳	۹۶/۶	۱۰۰
درصد			

اصالت قومی-زبانی	امنیت‌زبانی نسبت به گونه مادری	امنیت‌زبانی نسبت به گونه معیار	نسبت کل
همدانی	۰	۳۱	۳۱
درصد	۰	۱۰۰	۱۰۰
مشهدی	۲	۲۸	۳۰
درصد	۶/۶	۹۳/۳	۱۰۰
کل	۱۷	۲۹۵	۳۱۴
درصد	۵/۴	۹۴/۵	۱۰۰

براساس جدول (۳)، از بین سخنگویان زبان‌ها، لک‌ها با ۱۳/۳ درصد بیش‌ترین میزان و مازندرانی‌ها با ۲/۸ درصد کم‌ترین میزان احساس امنیت‌زبانی را در محیط خارج از خانواده نشان داده‌اند. در بین گویشوران، مشهدی‌ها با ۶/۶ درصد بیش‌ترین و همدانی‌ها با صفر درصد کم‌ترین میزان احساس امنیت‌زبانی را در محیط خارج از خانواده نشان داده‌اند.

هویت قومی سخنگویان گونه‌های زبانی

نمودار (۳) توزیع فراوانی و درصد احساس هویت سخنگویان گونه‌های زبانی مورد مطالعه را به تفکیک اصالت قومی-زبانی نشان می‌دهد.



نمودار ۳. توزیع فراوانی و درصد احساس هویت به تفکیک گونه‌های زبانی مورد مطالعه

احساس هویت واقعی

سخنگویان زبان لکی با ۸۳/۹ درصد و گویشوران همدانی با ۹۰/۳ درصد بیش‌ترین احساس هویت و سخنگویان زبان ترکی با ۵۵/۹ درصد و گویشوران مشهدی با ۵۰ درصد کم‌ترین میزان احساس هویت به گونه‌ی زبانی مادری خود را نشان داده‌اند.

یافته‌های پژوهش

سوال ۱. سخنگویان چه نگرشی نسبت به گونه‌های زبانی معیار و غیر معیار دارند؟

در بررسی احساس و نگرش شرکت‌کنندگان نسبت به مؤلفه‌های احساس غرور و مباهات، قدرت، احساس صمیمیت، راحتی در انتقال پیام، احساس تعلق به گونه‌ی زبانی مادری خود، احساس دلنشین‌تر و زیباتر بودن و احساس هویت واقعی به گونه‌ی زبانی مادری، تحت دو قطب همبستگی اجتماعی و منزلت و جایگاه اجتماعی در دو سوی یک پیوستار در نظر گرفته شده‌اند و محقق در صدد آن است تا دریابد چگونه کاربرد هر گونه‌ی زبانی منجر به ایجاد نگرش زبانی در ذهن مخاطب تهرانی می‌شود و این نگرش به کدام قطب پیوستار نگرشی گرایش پیدا می‌کند.

- سخنگویان گونه‌ی زبانی لکی دارای بیش‌ترین احساس غرور و مباهات، قدرت، صمیمیت، تعلق و دلنشین‌تر بودن گونه‌ی زبانی هستند.
- سخنگویان گونه‌ی زبانی کردی دارای بیش‌ترین احساس غرور و مباهات، قدرت، راحتی در انتقال پیام و دلنشین‌تر بودن گونه‌ی زبانی مادری خود هستند.
- سخنگویان گونه‌ی زبانی بلوچی دارای کم‌ترین احساس غرور و مباهات و دلنشینی نسبت به گونه‌ی زبان مادری خود هستند.
- سخنگویان مازندرانی دارای کم‌ترین احساس قدرت و احساس راحتی در انتقال پیام و بیش‌ترین احساس صمیمیت و نسبت به گونه‌ی زبان مادری خود هستند.
- سخنگویان ترک‌زبان کم‌ترین احساس صمیمیت و تعلق به گونه‌ی زبانی مادری خود را نشان داده‌اند.
- گویشوران لری دارای بیش‌ترین احساس غرور و مباهات، قدرت، صمیمیت و دلنشینی نسبت به گونه‌ی زبانی مادری خود هستند.
- گویشوران اصفهانی دارای کم‌ترین احساس غرور و مباهات، قدرت، تعلق و دلنشینی نسبت به گونه‌ی زبانی مادری خود هستند.
- گویشوران همدانی دارای بیش‌ترین احساس صمیمیت، راحتی در انتقال پیام و تعلق به گونه‌ی زبانی مادری خود هستند.

• گویشوران مشه‌دی دارای کم‌ترین احساس صمیمیت و راحتی در انتقال پیام نسبت به گونه‌ی زبانی مادری خود هستند.

سوال ۲. امنیت زبانی سخنگویان گونه‌های زبانی از چه میزان امنیت زبانی برخوردارند؟

در این بخش با توجه به رویکرد اتیک و مطالعه‌ی شناختی امنیت زبانی سخنگویان گونه‌های زبانی مورد مطالعه، با نگاهی از بیرون به صورت تخصصی و بدون دخالت احساسات محققین، به سوال مورد نظر پاسخ داده شده است. با در نظر گرفتن مفاهیم امنیت و ناامنی زبانی، هر گاه فرد یا سوژه در یابد گونه‌ی زبانی‌اش دارای اعتبار مناسب و هنجار عام در جامعه‌ی زبانی است، احساس امنیت زبانی پیدا کرده و گونه‌ی زبانی خود را به کار می‌گیرد. اما زمانی که گوینده درمی‌یابد گونه‌ی زبانی غیر معیارش به دور از هنجار عام قرار دارد، با تصور این‌که نیاز به افزایش اعتبار زبانی دارد، احساس ناامنی زبانی پیدا می‌کند. در این حال گوینده ترجیح می‌دهد از گونه‌ی زبانی معیار و دارای اعتبار مناسب استفاده کند (کالوه، ۲۰۰۰).

به توجه به یافته‌های پژوهش در بین زبان‌ها لک‌ها با ۴۲ درصد در محیط خانواده و ۱۳/۳ درصد در خارج از خانواده، بیش‌ترین میزان امنیت زبانی را نشان داده‌اند. با در نظر گرفتن این‌که لک‌ها بیش‌ترین میزان احساس غرور و مباحثات، قدرت، صمیمیت، تعلق و هویت نسبت به گونه‌ی زبانی مادری خود داشته‌اند؛ به نظر می‌رسد گونه‌ی زبانی مادری خود را دارای اعتبار مناسبی در شهر تهران دانسته و کم‌تر از دیگر گونه‌های زبانی احساس نیاز برای افزایش اعتبار آن دارند. لک‌ها در محیط داخل خانه احساس امنیت زبانی بیش‌تری دارند اما در محیط خارج از خانه احساس امنیت زبانی آن‌ها کاهش یافته و به دلیل اعتبار بالاتر گونه‌ی زبانی معیار به هنجار عام روی می‌آورند. مازندرانی‌ها با ۲۲/۸ درصد در محیط خانواده و ۲/۸ درصد در خارج از خانواده کم‌ترین میزان امنیت زبانی را نشان داده‌اند. سخنگویان مازندرانی به لحاظ نگرشی کم‌ترین احساس قدرت و اعتبار را نسبت به گونه‌ی زبانی خود دارند، خود را به دور از هنجار عام و نزدیک حاشیه می‌بینند؛ بنابراین احساس نیاز برای افزایش اعتبار و قرارگرفتن در هنجار عام موجب می‌شود نسبت به گونه‌ی زبانی مازندرانی احساس ناامنی زبانی داشته باشند و جهت افزایش اعتبار و امنیت زبانی به سوی کاربرد گونه‌ی معیار در جامعه، روی می‌آورند تا کمبود اعتبار گونه‌ی زبانی خود را جبران کنند. آن‌ها در محیط خانواده احساس امنیت زبانی بیش‌تری نسبت به محیط خارج از خانواده دارند. در بین گویشوران، همدانی‌ها در محیط خانواده بیش‌ترین میزان امنیت زبانی معادل ۲۲/۵ درصد را نشان داده‌اند اما در محیط خارج از خانواده امنیت زبانی آن‌ها به صفر رسیده است.

با توجه به جدول امنیت زبانی، همدانی‌ها امنیت زبانی مناسبی در محیط خانواده احساس می‌کنند اما در محیط خارج از خانواده، امنیت زبانی آن‌ها به صفر می‌رسد و ناامنی کاملی را نشان می‌دهد. به لحاظ نگرشی، همدانی‌ها دارای احساس صمیمیت، راحتی در انتقال پیام و ۷۱ درصد تعلق به گونه‌ی مادری خود هستند اما میزان

امنیت‌زبانی نشان می‌دهد این احساسات و نگرش‌ها تنها در محیط داخل خانواده منجر به حس امنیت و کاربرد گونه‌زبانی مادری شده است.

لرها با ۱۲/۹ درصد کم‌ترین میزان احساس امنیت‌زبانی را در محیط داخل خانواده نشان داده‌اند. با توجه به نگرش‌زبانی، لرها دارای احساسات غرور و مباهات، صمیمیت و دلنشینی بالا تا ۷۱ درصد نسبت به گونه‌زبانی مادری هستند اما احساس قدرت پایینی نسبت به گونه‌زبانی غیر معیار خود دارند و حدود ۶۱ درصد نسبت به گونه‌معیار زبان احساس قدرت دارند. یافته‌ها نشان می‌دهند گویشوران لر نسبت به گونه‌زبانی معیار امنیت‌زبانی بیش‌تری دارند.

مشهدی‌ها با ۶/۶ درصد بیش‌ترین میزان امنیت‌زبانی را در محیط خارج از خانواده نشان داده‌اند. گویشوران مشهدی دارای کم‌ترین احساس صمیمیت، راحتی در انتقال پیام و هویت نسبت به گونه‌زبانی مادری هستند اما در بین گویشوران بیش‌ترین امنیت‌زبانی در جامعه‌زبانی را دارند. به نظر می‌رسد به دلیل میزان بالای مهاجرین و مسافری در مشهد در کل سال، مشهدی‌ها به ارتباط با افراد مختلف از دیگر شهرهای ایران و دیگر کشورهای اسلامی عادت کرده‌اند و این موضوع به آن‌ها اعتماد به نفس بالایی منتقل کرده و منجر به ایجاد حس امنیت‌زبانی در محیط خارج از خانواده شده است.

سوال ۳. هویت فردی و اجتماعی سخنگویان گونه‌های زبانی به چه صورت است؟

سخنگویان زبان لکی با ۸۳/۹ درصد و گویشوران همدانی با ۹۰/۳ درصد بیش‌ترین احساس هویت و سخنگویان زبان ترکی با ۵۵/۹ درصد و گویشوران مشهدی با ۵۰ درصد کم‌ترین میزان احساس هویت به گونه‌زبانی مادری خود را دارند. زندگی ایلی به لحاظ ساخت اجتماعی و قدرت دارای رده‌بندی‌های مشخص در ساختار سنتی است و این ساختار و انسجام درونی، هویت ایلی و قومی را تعیین می‌کند. لک‌ها به شدت به مؤلفه‌های قومی که حاصل ابعاد اجتماعی و فرهنگی درون قوم‌شان است، پایبند هستند و آگاهانه در حفظ منافع قومیتی خود می‌کوشند و آن را هویت واقعی خود می‌دانند (ایزدپناه، ۱۳۸۴). هویت قومی حکایت از دلبستگی و تعلق خاطر نسبت به قومیت و فرهنگ دارد.

ترک‌ها از دیرباز براساس ابراز عقاید و افکارشان، احساس هویت بالایی نسبت به قومیت و اصالت خود داشته‌اند (مالمیر و ابوالحسنی، ۱۳۹۶). نتایج پژوهش مالمیر و ابوالحسنی نشان داد که حدود ۷۰ درصد از افراد ترک‌زبان ساکن تهران تمایل داشتند هویت قومی و زبانی خود را آشکار کنند. مردان، متأهلان، مسن‌ترها و کم‌سوادترهای ترک‌زبان تمایل بیش‌تری به حفظ هویت قومی خود داشته‌اند. اما به نظر می‌رسد در سال ۱۴۰۱ مهاجرین نسل دوم در تهران به این احساس هویت به قومیت و اصالت قومی-زبانی خدشه وارد کرده‌اند. به طوری که از بین ۳۴ نفر شرکت‌کننده ترک‌زبان، ۱۵ نفر معادل ۴۴/۱ درصد نسبت به گونه‌زبانی فارسی‌تهرانی احساس

هویت داشته‌اند و از این ۱۵ نفر ۱۳ نفر معادل ۸۶/۶ درصد مهاجرین نسل دوم هستند. یافته‌های پژوهش نشان داده‌اند مهاجرین نسل دومی که در تهران متولد شده‌اند و به واسطه شغل حضور فعال و پررنگی در جامعه زبانی تهران داشته‌اند، گونه معیار زبانی فارسی را هویت اصلی خود می‌دانند. زمانی که افراد جامعه زبانی در جامعه حضور فعال دارند نه تنها هویت خود را در جامعه، به اشتراک می‌گذارند بلکه هویت به اشتراک گذاشته دیگر افراد جامعه را نیز دریافت می‌کنند. در این‌جا به نظر می‌رسد هویت همکاران تهرانی روی احساس هویت شرکت‌کنندگان تهرانی تأثیر گذاشته و موجب شده است آن‌ها از هویت واقعی خود دور شوند و هویت جامعه میزبان را بپذیرند (یوسفی، ۱۳۸۰).

گویشوران همدانی با ۹۰/۳ درصد بیش‌ترین احساس هویت واقعی و گویشوران مشهدی با ۵۰ درصد کم‌ترین میزان احساس هویت واقعی نسبت به گونه زبانی مادری خود نشان داده‌اند. همدانی‌ها دارای ویژگی‌های شخصیتی قوی بوده و پای اعتقادات خویش ایستادگی می‌کنند؛ بنابراین وابستگی آن‌ها به هویت و ریشه‌های فرهنگی، بسیار محکم و راسخ است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴). همدان یکی از قطب‌های دانشگاهی و علمی کشور را تشکیل می‌دهد که این نیز نشان از چهره و هویت علمی آن است. همدان همچنین دارای هویت تاریخی بوده و در دوره‌های مادها، هخامنشیان، ساسانیان، آل‌بویه و سلجوقیان پایتخت‌های ایران بوده است. مجموع این عوامل موجب شکل‌گیری هویت فردی قوی گویشوران همدانی و نگرش مثبت آن‌ها نسبت به اصالت‌شان شده است. گویشوران مشهدی به لحاظ نگرشی احساس هویت قابل توجهی نسبت به گونه زبانی مادری خود ندارند. اکبری (۱۳۹۵) عنوان کرد در طی ۲۰ سال اخیر مشهدی‌ها در مسیر کاهش حس هویت و تعلق به اصالت خود، عناصر فرهنگی و زبانی، شعر، ادبیات و سنت قرار گرفته‌اند و روز به روز حس تعلق و هویت آن‌ها نسبت به اصالت‌شان کاهش پیدا می‌کند، در نتیجه عناصر هویت‌ساز و نشانه‌های هویتی مشهدی‌ها کاهش یافته است و این موضوع در زبان و نگرش زبانی آن‌ها دیده می‌شود و لهجه مشهدی نیز کارکرد خود را از دست داده است. اکبری (۱۳۹۵) معتقد است گسترش سرمایه‌گذاری در مشهد و طراحی المان‌های اقتصادی شهری، کارکرد فرهنگی - هویتی این شهر را به کارکرد اقتصادی تغییر داده است. در واقع مشهد با بحران هویتی مواجه شده و کاهش عناصر هویتی مشهدی‌ها، منجر به ادغام فرهنگی هویتی با مهاجرین شده است.

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، نگرش و امنیت‌زبانی ۱۰ قوم ایرانی نسبت گونه‌های زبانی معیار و گونه زبانی مادری و نقش آن در هویت‌سازی فرد در جامعه زبانی شهر تهران پرداخته شده است. بر اساس آمار به دست آمده از پرسشنامه به شیوه پیمایشی، سخنگویان زبان‌ها نسبت به گونه معیار، احساس قدرت و اعتبار و نیز احساس راحتی در انتقال پیام دارند؛ در حالی که مؤلفه غرور و مباهات، تعلق به گویش، صمیمیت، دلنشین‌تر و زیباتر بودن

را نسبت به گونه غیر معیار یا گونه زبانی مادری در خود احساس می‌کنند اما گویشوران احساس غرور و مباحات را نسبت به گونه معیار احساس می‌کنند. در نهایت، می‌توان گفت در پیوستار نگرشی دارای دو قطب همبستگی اجتماعی و جایگاه و منزلت اجتماعی، با در نظر گرفتن گرایش بیش‌تر شرکت‌کنندگان به سمت مؤلفه‌های غرور و مباحات، صمیمیت، احساس تعلق به گونه زبانی مادری، دلنشین‌تر و زیباتر بودن و هویت واقعی به گونه زبانی مادری نسبت به مؤلفه‌های قدرت و احساس راحتی در انتقال پیام نشان داده می‌شود که گرایش شرکت‌کنندگان بیش‌تر به سوی قطب همبستگی اجتماعی سوق پیدا می‌کند. گاروین^۱ (۱۹۶۴) عقیده دارد که غرور و مباحات با نقش اعتباردهنده گونه زبان منسوب است که برای سخنگویان خود اعتبار اجتماعی کسب می‌کند. در واقع گویشوران به دنبال کسب اعتبار اجتماعی هستند که به تصورشان گونه زبان مادری آنها فاقد آن اعتبار است. پژوهشگرانی نظیر جایلز (۲۰۰۴) و چمبرز (۲۰۰۴) معتقدند، زبان سخنگویان اکثریت به سوی قدرت، اعتبار، موفقیت و منزلت اجتماعی گرایش مثبت دارند؛ در حالی که سخنگویان زبان‌های اقلیت در پیوستار نگرشی به سوی قطب همبستگی اجتماعی متمایل می‌شوند.

به لحاظ امنیت زبانی، لک‌ها و همدانی‌ها بیش‌ترین میزان و مازندانی‌ها و لر‌ها کم‌ترین میزان احساس امنیت زبانی را در محیط داخل و خارج از خانواده نشان داده‌اند. در محیط خانواده، احساس امنیت زبانی بیش‌تری نسبت به محیط خارج از خانواده دارند. به نظر می‌رسد در محیط خانواده، گونه زبانی غیر معیار خود را دارای اعتبار مناسبی می‌بینند اما در جامعه زبانی خارج از خانه شرایط تغییر کرده، مفاهیم فراگونه و فروگونه تأثیر خود را نشان می‌دهند، گوینده زبان جهت کسب اعتبار زبانی بالاتر و امنیت زبانی بیش‌تر و نزدیک شدن به هنجار عام، ترجیح می‌دهد از گونه ارزشمندتر استفاده کند. در حالی که گویشوران مشهدی در محیط خارج از خانواده امنیت زبانی بیش‌تری دارند که می‌تواند ناشی از موقعیت خاص شهر مشهد به عنوان پایتخت مذهبی کشور باشد.

به لحاظ هویت، در بین زبان‌ها، گویندگان زبان لکی و سپس گویندگان زبان کردی بیش‌ترین احساس هویت و گویندگان زبان ترکی کم‌ترین میزان احساس هویت به گونه زبانی مادری خود را دارند. در بین گویشوران، همدانی‌ها بیش‌ترین احساس هویت و گویشوران مشهدی کم‌ترین میزان احساس هویت واقعی را نسبت به گونه زبانی مادری خود نشان داده‌اند.

به عقیده کریستال (۱۳۹۳: ۴۲۷) لهجه‌های منطقه‌ای رایج‌ترین شاخص تعلقات اجتماعی را در اختیار ما قرار می‌دهند اما در بسیاری از مواقع هویت زبانی بر تعلق زبانی مقدم است. هویت فردی با تکیه بر واقعیت‌های قومی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط است. نشانه‌های زبانی موجود در هویت قومی از قدرت بسیار بالایی برخوردار است. قومیت به معنی تعلق داشتن به پیوند اجدادی است. قابل توجه است که پرسش‌های هویت قومی - زبانی در رابطه با نیاز زبانی مهاجرینی مطرح می‌شود که درون جامعه میزبان، اقلیت قومی هستند. افراد جامعه

¹ P. Garvin

میزبان براساس ملاک‌های ارزشی خاص خود برخی از گونه‌های زبانی را «شیک» و برخی دیگر را «عامیانه» می‌دانند یا این‌که بعضی از واژگان و ساختارهای گونه‌های زبانی غیر معیار را «برازنده» و بعضی دیگر را «عوامانه» در نظر می‌گیرند که منجر به قضاوت‌های زبانی می‌شوند. در این میان بعضی از سخنگویان زبان‌ها و بسیاری از گویشوران برای دریافت منزلت اجتماعی در جامعه میزبان علی‌رغم احساس هویت و تعلق به گونه زبانی مادری، در ارتباطات زبانی سعی در کاربرد گونه زبانی معیار دارند تا از زبانی ارزنده‌تر و به اصطلاح شیک‌تر استفاده کنند. در واقع تصمیم می‌گیرند گونه زبانی فراگونه را به کار بگیرند.

منابع

- احمدخانی، محمدرضا، آرزو نجفیان و محمدرضا کمری (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی جایگاه و کاربرد زبان‌های فارسی و کردی در افراد دوزبانه در شهرستان شیروان چرداول. *دوماهنامه جستارهای زبانی*، (۵)، صص. ۴۳-۶۳.
- احمدی‌پور، زهرا. طهمورث حیدری موصلو و طیبه حیدری موصلو (۱۳۸۹). *تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران؛ جهت امنیت پایدار. فصلنامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی*، (۱)۲.
- اکبری، حسین (۱۳۹۵). *هویت آینده شهر مشهد*. مشهد: همایش واکاوی مسائل مدیریت شهری.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۸۴). *شاهنامه لکی*. تهران: اساطیر.
- حسینی، سیدقاسم (۱۳۸۳). نسبت هویت ایلی و قومی در ایلات و عشایر ایران. *فصلنامه مطالعات ملی*، (۳) ۵، پیاپی ۱۹.
- داوری، رضا (۱۳۷۶). *ناسیونالیسم و انقلاب*. چاپ اول. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات ملی.
- دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۰). *جلد دهم، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، صص. ۵۴۸-۵۴۹.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۷). *زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی. نشریه متن پژوهی ادبی*، (۵)، صص. ۹۱-۱۲۸.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۳). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. تهران: سمت.
- دورتیه، ژان (۱۳۸۲). *علوم انسانی گستره شناخت‌ها*. تهران: نی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. جلد ۱۲. تهران: دانشگاه تهران.
- رحمانی، جبار، منصور وثوقی و حسین میرزایی (۱۳۸۴). *فردگرایی و جمع‌گرایی ایرانیان از دید سیاحان خارجی. مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۲، صص. ۳۰۳-۳۲۴.
- رحیمی جعفری، مجید (۱۴۰۰). *تحلیل امنیت و نا امنی نشانه‌ای در سینمای دفاع مقدس با تکیه بر فیلم باشو، غریبه کوچک. دوفصلنامه روایت‌شناسی*، (۱۰) ۵، صص. ۲۷۳-۳۰۱.
- رمضانی، احمد (۱۳۹۳). *بررسی کاربرد زبان‌های مازندرانی و فارسی در شهر جویبار. مجله زبان‌شناخت*، (۲) ۵، صص. ۳۱-۵۰.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۸۷). *زبان فارسی معیار*. تهران: هرمس.
- سعیدی، مهدی، اشرف چگینی و احمد محمدی (۱۴۰۰). *بن‌مایه اساطیری در فرهنگ زراعی قوم لر. مطالعات ایران‌شناسی*، (۲۱)، صص. ۱۹-۳۲.
- شعیری، حمیدرضا، رضا پیش‌قدم و شیما ابراهیمی (۱۴۰۰). *معرفی زبانه‌ها به عنوان حلقه مفقوده قوم نگاری و ارتباط: مکمل الگوی SPEAKING هایمز. دوماه نامه جستارهای زبانی*، (۱)، صص. ۱-۴۱.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۴۹). *زبان فارسی و گونه‌های مختلف آن. ویژه‌نامه زبان و زبان‌شناسی*، (۲)، صص. ۶۱-۶۵.

- صفی‌زاده، علی (۱۳۹۲). *زبان لکی، زبانی فراموش شده از دوره میانه*. همایش ملی بررسی سیر تحول ادبیات بومی لرستان (کله باد).
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۰). *بررسی نقش هویت قومی در اتحاد ملی: مطالعه موردی قوم بلوچ*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- کریستال، دیوید (۱۹۴۱). *زبان چگونه کار می‌کند*. ترجمه علی ربیع (۱۳۹۳). تهران: انتشارات علمی.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت هویت*. جلد دوم. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: طرح نو.
- کاظمی، ایرج (۱۳۸۰). *دلفان درگذر تاریخ*. خرم‌آباد: افلاک.
- مالمیر، ملیحه و زهرا ابوالحسنی چیمه (۱۳۹۶). *هویت زبانی - قومی به مثابه هویت ملی*. *ویژه‌نامه فرهنگستان زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*. شماره ۸، صص. ۱۶۳-۱۹۲.
- مشرعی، سید محمود، محمد دبیرمقدم، فاطمه یوسفی‌راد و ویدا شقاقی (۱۳۹۷). *زبان‌شناسی شناختی اجتماعی: رویکردی نوین به معنا و تنوعات زبانی*. *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*، ۱(۴)، صص. ۲۰-۲۹.
- محمدی، اسفندیار، اردشیر شیری و سهیلا حبیبیان (۱۳۹۴). *بررسی آثار الگوی رفتار گردشگران بر چگونگی رفتار اجتماعی شهروندان*. مطالعه موردی: شهر همدان. *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۱۲(۱)، صص. ۱۸۳-۲۰۲.
- مظفری، شراره و یحیی مدرس (۱۳۹۷). *تأثیر نگرش گویشوران بر کاربرد تنوعات گونه‌ای زبان فارسی در استان فارس: پژوهشی اجتماعی شناختی*. *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*، ۱(۳)، صص. ۲۳-۵۲.
- مومنی، منصور و علی فعال قیومی (۱۳۹۶). *تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS*. چاپ یازدهم. نشر مولف، تهران.
- نیک‌بین، رضا (۱۳۸۹). *قحطی‌های اصفهان از دوره ناصرالدین شاه تا شهریور ۱۳۲۰ هجری شمسی*. دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پایان‌نامه.
- ویسی، هیوا، شهلا فراستی و کوروش صابری (۱۳۹۸). *فرسایش و تغییرات زبانی در کردی کلهری ایلامی‌های مقیم تهران*. *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، ۷(۲۵).
- یوسفی، علی (۱۳۸۰). *آشنایی بین قومی در ایران*. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۴(۸)، صص. ۱۳-۴۲.

- Berthele, R. (2010). Investigation into the folk's mental models of linguistic varieties. In: D Geerearts & J. R. Taylor (Eds), *Advances in cognitive sociolinguistics*. (PP. 265- 290). De Berlin/ New York Gruyter Mouton.
- Brubaker, R., & Cooper, F. (2000). Beyond" identity". *Theory and society*, 29(1), 1-47. <https://doi.org/10.1023/A:1007068714468>.
- Calvet, L. J. & Varela, L. (2000). *Sociolinguistic Studies, 2000 - journal.equinoxpub.com*. DOI: <https://doi.org/10.1558/sols.v1i2.47> (translated into Farsi by M. J. Pouyandeh.). *Tehran: Naghsh Jahan*.
- Chambers, J. K. & P. Trudgill (2004). *Dialectology*. 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Chambers, J. K. (1995). *Sociolinguistic theory: Linguistic variation and its social significance*. Oxford and Cambridge: Blackwell.
- Chambers, J.K Trudgill, P. (1998). *Dialectology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Eckert, P. and J. R. Rickford (2002). *Style and sociolinguistic variation*. Cambridge University Press.

- Edwards, J. (2009). *Language and identity: An introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ferguson, C. A. (1959). Diglossia. *Word*, 15, 325–340.
- Garvin, P. (1964). The standard language problem: Concepts and methods. In: D. Hymes (ED.), *Language in culture and society*, (pp. 521-26). New York: Harper & Row.
- Geeraerts D., G. Kristiansen, Y. Peirsman (eds.). (2010). *Advances in cognitive sociolinguistics*. Berlin/New York: Walter de Gruyter GmbH & Co. KG.
- Giles, H. & A. Billings (2004). Assessing language attitudes. In: A. Davies & c. Elder (Eds.), *The handbook of applied linguistics*. (pp. 187-209). Oxford: Blackwell.
- King, Ch. (1997) Policing language: Linguistic security and the sources of ethnic conflict. A rejoinder, *Security Dialogue* 28 (4): 493–496.
- Kristiansen, G. & R. Dirven (Eds.) (2008). *Cognitive sociolinguistics: Language variation, cultural models, social system*. (pp. 45-88). Berlin/ New York: Mouton de Gruyter.
- Kristiansen, G. (2006). Towards a usage-based cognitive phonology. *International Journal of English Studies*, 6(2), 107-140.
- Labov, W. (1966). *The social stratification of English in New York City*. Washington, DC: Centre for Applied Linguistics.
- Labov, W. (1984). Field method of the project on linguistic change and variation. In J. Baugh & J. Sherzer (ed.s), *Language in Use*. Englewood Cliffs: Prentice Hall.
- Labov, W. (2001) *Principles of linguistic change*. Vol 2: External factors. Oxford: Blackwell.
- Labov, W. (2006) *The social stratification of English in New York City*. 2nd ed. New York: Cambridge University Press.
- Lambert, W. E. (1967). A social psychology of bilingualism. *Journal of Social Issues*, 23, 91–109.
- Lambert, W., R. Hodgson, R. Gardner and S. Fillenbaum (1960). Evaluational reactions to spoken languages. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 69. pp 44 -51.
- Pike, L. K. (2002). Emics and etics for organizational studies: A lesson in contrast from linguistics. *International Journal of Cross Cultural Management* 2(1), 5-19.
- Sachdev, I. & R. Y. Bourhis (1990). Language and social identification. In: D. Abrams and M. A. Hogg (eds.), *Social identity and social cognition*. (pp. 211-229). Blackwell.
- Trudgill, P. (1974). *The social differentiation of English in Norwich*. London: The Syndics of the Cambridge University Press.